

ویرایش و پیشگفتار از فلورین شولر

دیالکتیک سکولارسازی دربارهٔ عقل و دین

گفتگوی کاردینال یوزف راتزینگر
(پاپ بندیکت شانزدهم) و یورگن هابرماس

سجاد دهقان زاده



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

فهرست

- پیش گفتار..... ۹
- بخش اول: از یورگن هابرماس..... ۲۱
- شالوده‌های پیشاسیاسی دولت قانونی مردم‌سالار..... ۲۳
- توجیه دولت قانونی سکولار بر مبنای منابع عقل عملی..... ۲۶
- چگونه همبستگی شهروندان دولت باز تولید می‌شود؟..... ۳۱
- آن‌گاه که پیوند اجتماعی گسسته می‌شود..... ۳۵
- ضمیمهٔ توضیحی..... ۳۹
- سکولار سازی به مثابهٔ فرآیند یادگیری دو جانبه و تکمیلی..... ۴۲
- شهروندان دیندار و غیر دیندار چگونه باید با یکدیگر رفتار کنند؟..... ۴۶
- بخش دوم: از کاردینال یوزف راتزینگر..... ۴۹

۸ ■ دیالکتیک سکولارسازی

- آنچه جهان را گرد هم نگه می‌دارد؛ شالوده‌های اخلاقی پیشاسیاسی یک دولت
لیبرال ۵۱
- قدرت و قانون ۵۴
- اشکال جدید قدرت و پرسش‌های امروزی دربارهٔ چگونگی مدیریت آن‌ها ۵۷
- پیش‌فرض‌های قانون: قانون-طبیعت-عقل ۶۱
- چشم‌انداز بین فرهنگی و پیامدهای آن ۶۵
- نتایج ۶۸
- دربارهٔ مولفان کتاب ۷۱

پیش‌گفتار

یورگن هابرماس در ۱۸ ژوئن ۲۰۰۴ تولد هفتاد و پنج سالگی‌اش را جشن گرفت، و یوزف راتزینگر در ۱۹ آوریل ۲۰۰۵ به‌عنوان پاپ برگزیده شد. این تواریخ یقیناً مناسب‌هایی کاملاً متفاوت از یکدیگر بودند؛ با وجود این، بیش‌تر کسانی که در روزنامه‌های پیش‌رو آلمانی‌زبان، از هابرماس و راتزینگر تمجید می‌کردند، در هر دو تاریخ مذکور - طبیعتاً از منظرهای مختلف - گفت‌وگوی بین این دو روشنفکر «مقارن هم»^۱ را در مونیخ که به دعوت فرهنگستان کاتولیک باواریا^۲ در ۱۹ ژانویه ۲۰۰۴ برگزار شد، یادآوری کردند. مبالغه نیست اگر بگوییم که این رویارویی بین یکی از برجسته‌ترین فلاسفه معاصر و رئیس کنگره رومی آموزه ایمان در آن زمان،

1. Antipodes

2. Bavaria

توجه جهانی را به خود جلب کرد. آن زمان، ما در این جا در مونیخ، از مناطقی به دوری ایران و مراکش^۱ تحقیق و پرسش‌هایی را دریافت کردیم. پس از چند ماه، مقالات متعددی که بیانگر روز تولد هابرماس بودند، بار دیگر بر نتایج این گفت‌وگو تأمل کردند و حتی در حال حاضر نیز این رویداد عجیب- و در واقع تاحدی بهت‌آور- هنوز از سوی موافقان و مخالفان هابرماس فراموش نشده است. هم‌چنین پس از آیین انتخاب پاپ، وقتی ضرورت احساس شد که نمودار الهیاتی و روشنفکرانهٔ بندیکت شانزدهم بیان شود، اذهان عمومی تقریباً به‌طور خودکار به سمت بحث شالوده‌های جامعهٔ سکولار غربی برگشت که این کار دینال در تأملاتش دربارهٔ ساختار گفتمان جهانی بین ادیان مطرح کرده بود.

عوامل و انگیزه‌ها

آن بعد از ظهر به یادماندنی^۱ چگونه اتفاق افتاد؟ خاستگاه آن، عقاید و برداشت‌هایی خارج از حوزه زبانی آلمانی بود.

در ۱۵ ژوئن ۱۹۹۵ «نامیرندگان» فرهنگستان فرانسه، اسقف اعظم پاریس، کاردینال ژان ماری لوستیژه^۲، را به سلسله مراتب خود پذیرفتند. این سراسقف در سلسله جانشین‌های کاردینال آلبرت دکورتی^۳، مسند چهارم را دریافت کرد. سه سال پیش از آن، کاردینال یوزف راتزینگر به‌عنوان «عضو مدعو» فرهنگستان علوم اخلاقی و سیاسی^۴ در سازمان فرهنگستان فرانسه انتخاب شده بود.

در سال‌های اخیر، در ایتالیا بحث شدید، باز و متعهدانه‌ای بین نمایندگان روشنفکری دینی (*credenti*) و مردم غیردیندار (*laici*) در جریان بوده است که از خلاصه‌های رایج این دو گروه دارای دیدگاه‌های مختلف

-
۱. عصر ۱۹ ژانویه ۲۰۰۴ که در آن راتزینگر و هابرماس به گفت‌وگو نشستند. - م.
 ۲. *Immortals*: اعضای فرهنگستان فرانسه به ایمورتال‌ها (نامیرندگان) مشهورند؛ این فرهنگستان عالی‌ترین شورای فرانسوی است که پیرامون مسائل مربوط به زبان و فرهنگ فرانسوی اظهار نظر می‌کند و رسماً در سال ۱۶۳۵ توسط کاردینال ریشلیو (*Richelieu*) تاسیس شده است. - م.
 ۳. *Jean Marie Cardinal Lustinger*: کاردینال فرانسوی کلیسای کاتولیک که از ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۵ سراسقف پاریس بوده و در ۱۹۸۳ از سوی پاپ ژان پل دوم به مقام کاردینالی منصوب شد. - م.
 ۴. به‌عنوان یکی از اعضای فرهنگستان یا شورای فرانسه پذیرفته شد. - م.
 ۵. *Decourtray Cardinal Albert*: (۱۹۲۳-۱۹۹۴)، کاردینال فرانسوی کلیسای کاتولیک و اسقف اعظم شهر لیون فرانسه.
 ۶. *Academie des sciences morales et politiques at institute de france*: این آکادمی یکی از پنج فرهنگستان فرانسه است.

استفاده می‌کرد. یکی از جالب‌ترین اسناد ناشی از این بحث، شمارهٔ مشهور ۲/۲۰۰۰ گاهنامهٔ سیاسی جناح چپی و روشنفکر میکرومگا است. فرضیهٔ زیر در پیش‌گفتار این شماره از گاهنامه صورت‌بندی شده است: «فلسفه به‌جای شناخت، بیشتر با دین ارتباط دارد و در پی ورود به یک گفتمان با دین است». در این پیش‌گفتار، فرضیهٔ مذکور براساس متون فلسفی مکاتب گوناگونی که همهٔ آن‌ها از ویژگی عقلانی بالایی برخوردار بودند، تأیید شده و با مقالاتی از سه متأله همراه شده‌اند. اولین مقاله که به شکلی جدید از جریان الهیاتی و معنوی آرمان‌گرایی^۲ آلمانی پرده برمی‌دارد، اثر برونو فورته^۳ (که به تازگی به‌عنوان سراسقف شهر چیتوستی^۴ منصوب شده) است که خود من وی را پرچم‌ترین متأله معاصر ایتالیایی می‌داند. دومین مقاله به قلم انزو بیانکی^۵، بانی رُهبانگاه باوس^۶ است. برجسته‌ترین مؤلف، کاردینال یوزف راتزینگر است که پیش‌گفتار این گاهنامه وی را با عنوان «جوهر اصلی راست‌کیشی کاتولیک»^۷ توصیف می‌کند.

۱. Micro-Mega: مجله خبری اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که در رُم ایتالیا دو ماه یک‌بار منتشر می‌شود. -م.

۲. Idealism. ایدئالیسم عنوانی برای مجموعه‌ای از دیدگاه‌های فلسفی است که بنابر آن ایده‌ها، نفس‌الامر و معقولات بالذات‌اند و مقدم بر اشیای خارجی. ایده‌ها هم به لحاظ معرفت‌شناختی و هم وجودشناختی به مشهودات اولویت دارند و امکان بودن اشیا را فراهم می‌کنند. جهان را باید با آن‌ها و بر مبنای آن‌ها تبیین کرد. -م.

۳. Bruno Forte: متأله ایتالیایی متولد ۱۹۴۹، واسقف اعظم شهر چیتوستی. -م.

۴. Cheiti-Vasti. شهری است در ۲۰۰ کیلومتری شمال شرق رُم و واقع در ایتالیای

جنوبی. -م.

5. Enzu Bianchi

6. Bose

7. "The Quintessence of Catholic orthodoxy"